

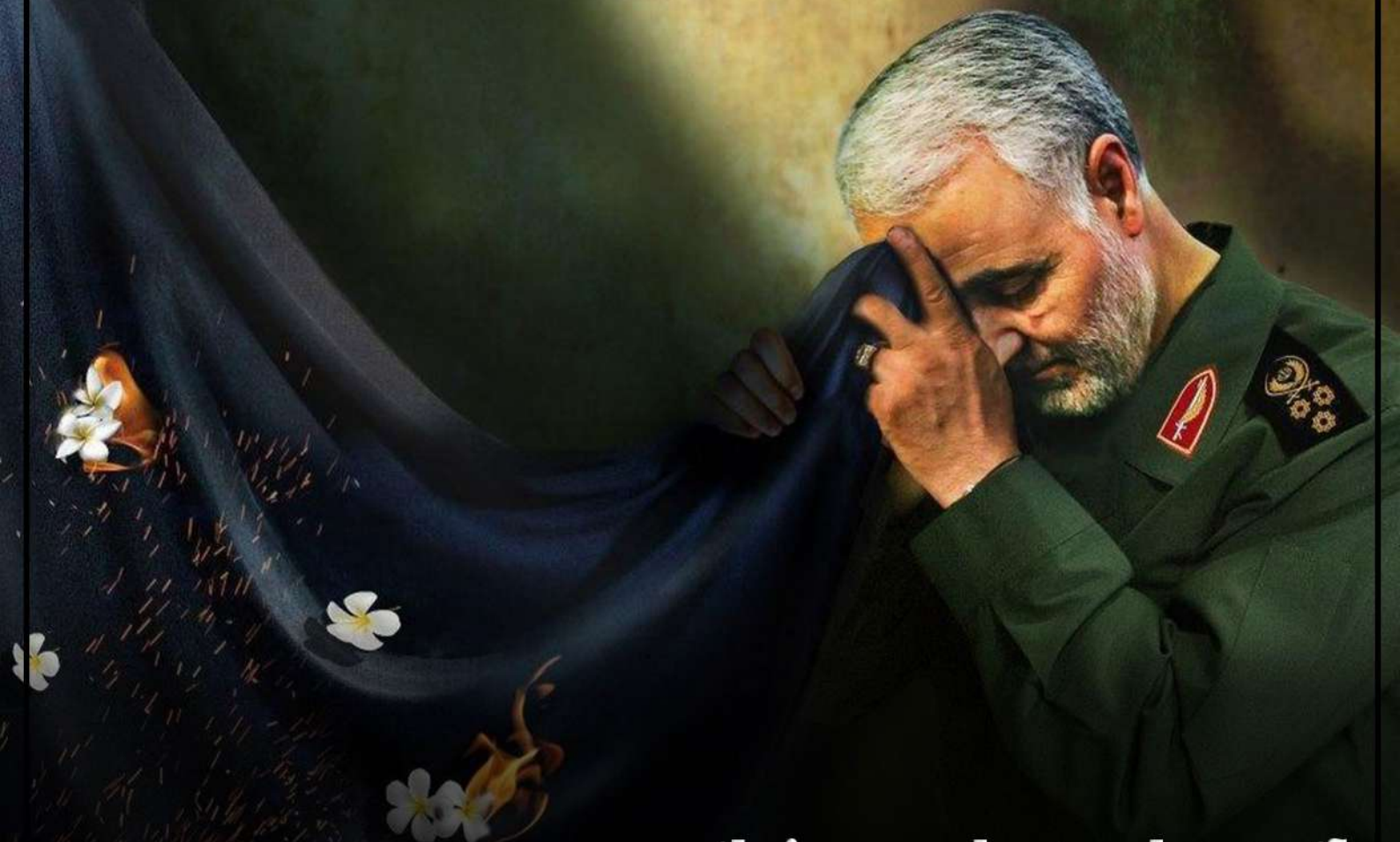


فصلنامه مذهبی رضوان

شماره دوم، زمستان ۱۴۰۰

سُورَةُ الشُّرَاهِدِ
۱۶۱
مَنْ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا

من از خاک پای تو سر بر ندارم
مگر لحظه‌ای که دگر سر ندارم



آنچه در این شماره می خوانید:

بانوی دو عالم

حاج قاسمی که می شناسیم

مادر مردها

شناسنامه نشریه

<< فصلنامه مذهبی رضوان، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۰ >>

صاحب امتیاز: کانون قرآن و عترت دانشگاه علوم پزشکی وارستگان

شماره مجوز: ۱/۰۰/۸۲۰۳۰

مدیر مسئول: امیرحسین محمدیگی

سردبیر: مهدی حسینی کفشدار

ویراستاران: امیررضا آفتاب طلب - علی کوثری

گرافیست و صفحه آرا: جواد فتاحی الکوهی

هیئت تحریریه:

امیررضا آفتاب طلب، پرهام ابراهیمی، شمس الدین احمد جامی

نسترن قربانیان، مهدی حسینی کفشدار، صبا مرادی، زهرا نامور

کانال‌های مجازی نشریه:



@varastegan_rezvan



فهرست مطالب

۴	سخن سردبیر
۵	بانوی دو عالم
۷	شغل بی مزد
۸	پیامبری به اسم زرتشت
۹	بیرق دین (شعر)
۱۰	حاج قاسمی که می شناسیم
۱۳	وارستگی‌ها در بدرقه سردار (عکس اختصاصی)
۱۴	چرا عزیز (شعر)
۱۵	مادر مردها
۱۶	روز شمار فاطمیه (اینفوگرافیک)

سخن‌چهره



مهدی حسینی کفشدار

رشته علوم تغذیه ۹۷

است. آن چیزی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از آن به «جهاد تبیین» یاد می‌کنند: «بدون تبیین، قطعاً هیچ فکری و هیچ اندیشه‌ی مُتَقَنی، توفیق رواج و اعتقاد عمومی را پیدا نخواهد کرد. تبیین حقایق در سیره‌ی علوی، نمود پررنگی داشت: «شما خطبه‌های نهج‌البلاغه را نگاه کنید، بسیاری از آنها تبیین واقعیاتی است که در جامعه‌ی آن روز وجود داشته و مبنای مهم قیام حسینی نیز تبیین بود. امام حسین را فقط به جنگ روز عاشورا نباید شناخت؛ بنابراین «جهاد» فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی و جهاد مالی است.»

و نکته‌ی کلیدی اینکه اگر تبیین نباشد، فرصت برای اغواگری و گمراه‌سازی مردم توسط دشمن در عرصه‌های مختلف باز خواهد شد. «امروز همه‌ی افراد مسئولند و اگر دیدند حقایق و محکمت‌های اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند.» همچنین مسائل جاری کشور باید برای مردم تبیین شود، که یکی از وظایف مهم دانشجویان همین است. دانشجویان و نسل جوان، برای انجام وظیفه‌ی تبیین، ابزارهای مختلفی دارند: «همین نشریات دانشجویی چیز خوبی است...»

این استدلال‌های انقلابی شما را منتشر بکنند تا مردم اینها را بخوانند. «فضای مجازی، از دیگر بسترهای تبیین و بصیرت‌افزایی است: «پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده‌ی از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید.» فلذا، با توجه به وظیفه‌ای که بر دوش ما دانشجویان قرار داده شده است، در حد توان خود در راستای برآورده کردن مَنویات مقام معظم رهبری و خوشنودی حضرت ولی عصر (عج) قدمی برمی‌داریم. در پایان، از تمام عزیزانی که با ما همکاری داشتند سپاس‌گزارم و از تمام دغدغه‌مندان و صاحب‌نظران دعوت به همکاری می‌کنم. والسلام علی من اتبع الهدی.

ما را گدای حضرت زهرا نوشته‌اند اصلاً برای حضرت زهرا نوشته‌اند میلی به پادشاهی عالم نمی‌کنیم وقتی گدای حضرت زهرا نوشته‌اند تقدیر و سرنوشت تمامی شیعه را با بچه‌های حضرت زهرا نوشته‌اند روز آلت با قلم شاه اولیا ما را فدای حضرت زهرا نوشته‌اند با عرض سلام و درود و اهدای سپاس به ایزد بزرگ که دگر بار به ما فرصتی داد تا دومین شماره از نشریه‌ی مذهبی رضوان را تقدیم حضور شما کنیم. توفیقی برای ما بود تا نخستین شماره‌ی این نشریه، مصادف با اربعین حسینی و دومین شماره نیز، مصادف با ایام فاطمیه باشد. این موضوع را به فال نیک گرفته، اغتنام فرصت می‌کنیم و قلمی هرچند ناچیز در راستای آشنایی با معارف اهل‌بیت می‌زنیم. از مهم‌ترین موضوعاتی که رهبر معظم انقلاب همواره بر آن تأکید داشته‌اند، حرکت خودجوش و انقلابی در راستای نشر معارف اسلام و انقلاب





صبا مرادی

فناوری اطلاعات سلامت ۱۴۰۰

بانوی دو عالم

حضرت زهرا (س) در نزد مسلمانان، برترین و والاترین مقام بانوی جهان در تمام قرون و اعصار را دارد. به طوری که پیامبر اکرم (ص)، حضرت زهرا (س) را اولین و آخرین سرور زنان در تمام دنیا معرفی کرده است. یکی از لقب‌های حضرت فاطمه (س)، صدیقه‌ی شهیده است. در منابع شیعه و سنی، گزارش‌های بسیاری از حوادث منجر به شهادت دختر رسول خدا (ص) آمده است. از جمله: تهدید به خراب کردن و آتش زدن خانه، انباشتن هیزم برای سوزاندن خانه، آتش زدن در خانه، ناله و اعتراض فاطمه (س) به مهاجمان، فشار دادن دختر رسول خدا (ص) بین در و دیوار، سقط جنینی به نام محسن و...

بیشتر این گزارش‌ها بیان می‌دارند که مهاجمان، به منظور بیعت گرفتن از اهل بیت، به خانه‌ی امیرمؤمنان (ع) هجوم آورده بودند و هنگامی که با خودداری اهل خانه از بیعت روبه‌رو شدند، به زور متوسل شدند. از مجموع این گزارش‌ها برمی‌آید که بیماری دختر رسول خدا (ص)، که به شهادت او انجامید، ناشی از این اقدامات بوده است.

در ذکر جزئیات حادثه نیز اختلاف‌هایی وجود دارد که به اصل آن خدشه‌ای وارد نمی‌کند. بیشتر این اختلاف‌ها به این دلیل است که چندبار به خانه‌ی فاطمه (س) حمله شده و اختلاف‌ها، ناشی از خلط حوادث هجوم‌ها با یکدیگر است. منابع تاریخی بیان می‌دارند که شدت هر هجوم، بیش از هجوم پیشین بوده است؛ به طوری که در سومین هجوم، آتش افروخته شد و حوادثی پیش آمد که به بیماری و شهادت دختر پیامبر (ص) انجامید.

حضرت فاطمه (س) که در این حوادث به شدت مجروح و بیمار شده بود، درخواست ملاقات سران حمله‌کنندگان را نمی‌پذیرفت و وقتی با وساطت علی (ع) ملاقات آنان را پذیرفت، سلام ابوبکر و عمر را پاسخ نداد و روی خود را از آنان برگرداند. در فاصله‌ی زمانی رحلت پیامبر (ص) تا هنگام شهادت خویش، هیچ‌گاه خندان دیده نشد.

فاطمه (س) وصیت کرد که او را شبانه به خاک بسپارند و هیچ‌یک از ظالمان در حق وی، در مراسم خاک‌سپاری‌اش حاضر نشوند. بنا بر روایات، مدت عمر حضرت فاطمه (س) پس از رسول خدا (ص)، ۷۵ یا ۹۵ روز بوده و با توجه به اختلاف در روایات، دو زمان اواسط جمادی‌الاولی و اوایل جمادی‌الآخره ایام فاطمیه نامیده شده و مراسم عزاداری برپا می‌شود. اما برای اثبات شهادت آن حضرت و مشخص شدن بانیان آن، از منابع معتبر اهل سنت داستان را روایت

فاطمه که فرمود: آیا من نظاره‌گر باشم و تو خانه‌ی مرا آتش بزنی؟ عمر گفت: بلی. چنانکه بلاذری می‌گوید: «ابوبکر به علی (ع) پیام فرستاد تا با وی بیعت کند؛ اما علی نپذیرفت. پس عمر با مشعلی آمد، فاطمه (س) ناگاه عمر را با مشعل در خانه‌اش یافت، پس فرمود: یابن الخطّاب! آیا من نظاره‌گر باشم و حال آنکه تو در خانه‌ام را بر من به آتش می‌کشی؟! عمر گفت: بلی.»

(بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶). هنگامی با مشعل آتش برای تسلیت دختر پیامبر اکرم (ص) آمدند که وی به «محسن» باردار بود و تهاجم به خانه، موجب قتل محسن، طفلی که هنوز پا به دنیا ننهاده بود، گردید. چنانکه «ابن ابی دارم» جمله‌ی «عمر لگدی بر حضرت زهرا (س) زد تا محسن سقط گردید» را مورد تقریر و تأیید قرار داده، تا مورد نکوهش گروهی قرار گرفت. (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۸) روشن است زنی که در اثر تهدید به احراق بیت و آتش زدن خانه‌اش و سقط جنینش مریض گردد و مرض او در زمان کوتاهی منجر به فوت وی شود، این فوت شرعاً و عرفاً و عقلاً شهادت محسوب می‌گردد. از این روست که ائمه‌ی معصومین و اهل بیت رسول خدا (ص)، مادر خود را شهید می‌خواندند. پس از این وقایع در تاریخ آمده‌است که: «فاطمه (س) بر ابوبکر غضب نمود، پس با وی قهر کرد، پس با او سخنی نگفت تا وفات نمود و بعد از پیغمبر (ص)، شش ماه زندگی کرد... (و علی (ع) در این ماه‌ها بیعت نکرد. چون فاطمه وفات کرد، شوهرش علی (ع) وی را شبانه به خاک سپرد و ابوبکر را خبر نکرد و خود بر او نماز گزارد. (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۵۳)

می‌کنیم. ابن عباس (پسرعموی پیامبر) گفت: چون بیماری رسول خدا (ص) شدید گردید، فرمود: چیزی بیاورید تا بر آن برای شما نوشته‌ای بنویسم که بعد از آن گمراه نشوید. عمر گفت: بر پیامبر (ص) بیماری چیره گردیده، کتاب خدا در دست ماست ما را بس است، پس اختلاف کردند و جنجال بالا گرفت. پیامبر (ص) فرمود: از نزد من برخیزید، درگیری در حضور من سزاوار نیست. پس ابن عباس بیرون رفت و می‌گفت:

مصیبت، تمام مصیبت آنگاه رخ داد که بین پیامبر (ص) و نوشتارش حائل گردیدند. (صحیح بخاری، ج ۱، ص) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و به خلافت رسیدن ابوبکر، حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و برخی از صحابه، از بیعت با وی خودداری کردند. ابن ابی شیبه، شیخ و استاد بخاری، می‌گوید: «آنگاه که بعد از رسول خدا (ص) برای ابوبکر بیعت می‌گرفتند. علی (ع) و زبیر برای مشورت در این امر، نزد فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) رفت و آمد می‌کردند. عمر بن خطاب با خبر گردید و به نزد فاطمه (س) آمد و گفت: ای دختر رسول خدا (ص)! به خدا در نزد ما کسی از پدرت محبوب‌تر نیست و پس از او، محبوب‌ترین تویی!! و به خدا قسم این امر مرا مانع نمی‌شود که اگر آنان نزد تو جمع شوند، دستور دهم که خانه را با آنها به آتش کشند. اسلم گفت: چون عمر از نزد فاطمه (س) بیرون شد، علی (ع) و... به خانه برگشتند. پس فاطمه (س) گفت: می‌دانید که عمر نزد من آمد، و به خدا قسم یاد کرده اگر شما (بدون اینکه با ابوبکر بیعت کنید) به خانه برگردید، خانه را با شما آتش می‌زند؟ و به خدا قسم که او به سوگندش عمل خواهد کرد» (کتاب المصنف، ج ۷، ص ۴۳۲، حدیث ۳۷۰۴۵، کتاب الفتن). و سپس با مشعلی بر در خانه‌ی فاطمه آمد و در جواب



نسترن قربانیان

رشته علوم آزمایشگاهی ۹۶

شغلی بی‌مزد!

جملاتی که به ذهن و زبانمون میاد جملاتی هستند از قبیل: این کار ناعادلانس، اصلاً چنین شغلی نباید وجود داشته باشه، عمراً قبول نمی‌کنم، غیرمنصفانس و... نقش می‌بند.

اما تا به حال به این فکر کردین که در دنیا میلیارد ها نفر این شغل رو دارن و به شغلشون افتخار هم می‌کنن!!!

می‌دونین اون ها کی هستن؟ به اعتقاد من اون ها مانند فرشته ها ی زمینی هستند که بهشون می‌گیم مادر... شغلی که تمام شرایط بالا رو داره.

همون شغلی که تا چند دقیقه ی پیش به عنوان یک فرصت شغلی، اکثرمون دست رد به سینش زدیم...

از اعماق وجودم اعتراف می‌کنم که نوشتن درباره ی بعضی واژگان اون قدر سخت و سنگینه که نمیدونی الان باید در وصف این اشخاص دقیقاً کدوم صفت رو توصیف کنی و بعد بری سراغ کدوم صفت؛ و کلمه ی ((مادر)) از دیدگاه من عظیم ترین واژه در دایره ی لغات محسوب میشه که کلمات تاب و تحمل ادا ی دین به مقام و مرتبه ی اون رو نداشته، ندارند و نخواهند داشت. و یقین دارم که شما هم با من در این مسئله هم نظرید که واژگانی برای تشبیه صفات مادر به آن ها هنوز در دنیا وجود ندارد. مادر اولین، زیبا ترین، واقعی ترین و پا بر جاترین عشقی است که انسان ها تجربه می‌کنند.

در بخشی از دومین نشریه ی رضوان می‌خواهیم بپردازیم به یک شغل و بازار کار...!!!

آره تعجب نکنین، امروز می‌خوایم با هم به یک مصاحبه ی کاری فرضی سفر کنیم و ببینیم اوضاع بازار کار چطور یاس!!!

فرض کنین به یک مصاحبه ی کاری دعوت شدین و با رئیس اون شرکت در حال گفت و گو هستین... رئیس شرکت با توجه به وظیفه ای که در بیان توضیحات شغل داره دونه به دونه شرایط کار رو براتون بیان می‌کنه...

اولین شرط این کار این هستش که باید اکثر اوقات ایستاده باشید.

۱. اعضا و شرکایی که با اون ها در ارتباط هستین نیاز به توجه دائمی شما دارن. بعضی اوقات مجبورید تمام شب در کنارشون باشید.

۲. این کار اساساً تمام روز ها ی هفته و به صورت شبانه روزی یعنی ۲۴ ساعته محسوب میشه.

۳. برای انجام این کار باید دارای قدرت مذاکره عالی و مهارت برقراری ارتباط با اشخاص باشید.

۴. شما باید در زمینه ی پزشکی، هنر، آشپزی و امور مالی حرفی برای گفتن داشته باشین.

۵. شما باید توانایی انجام کار در محیط های بی نظم رو داشته باشید.

۶. هیچ مرخصی در این کار برای شما وجود نداره؛ فرقی نمیکنه سال نو باشه یا یک روز جمعه.

۷. و در نهایت فشار کاری شما در این شغل به مرور زمان کمتر نمیشه بلکه زیادتر هم میشه و به همین دلیل به مرور زمان بیشتری رو هم از شما می‌گیره.

۸. و مهم ترین مسئله، در قبال انجام این کار به شما حقوقی تعلق نخواهد گرفت!.

احتمالاً وقتی با شرایط اشتغال در چنین حرفه ای مواجه می‌شیم اولین



پرهام ابراهیمی

رشته علوم تغذیه ۹۷

پیامبری به اسم زرتشت

زرتشت، فرزند پوروشسپ است و تاریخ حقیقی تولد او بسیار مجهول است. روایات ایرانی، تولد او را حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد بیان کرده‌اند؛ ولی بعضی دیگر، با قراین و دلایل موجه، تولد او را ۱۷۸۶ سال قبل از میلاد دانسته‌اند. او قبل از بعثت حضرت موسی (علیه‌السلام) دین خود را تبلیغ می‌کرده است. زرتشت از هفت‌سالگی به فراگیری علم و حکمت پرداخت و در پانزده‌سالگی، موفق به گرفتن «کُشتی» که کمر بند مقدس زرتشتیان است، شد. او از آغاز عمر، به خوی مهربانی و سرشت لطیف معروف گردید. در هنگام بروز قحطسالی که مصادف با دوران جوانی او بود، نسبت به سالخوردگان، حرمت و رأفت و درباره‌ی جانوران، محبت و شفقت به عمل آورد. همچنین در حمله‌ی تورانیان به ایران، به پرستاری زخمیان جنگ پرداخت. روح او از دیدن ظلم و بی‌نظمی در جوامع بشری ناراحت بود و تفکر درباره‌ی مسئله‌ی شرّ و راز وجود، غالباً اوقات او را می‌گرفت.

بنابراین، در بیست‌سالگی پدر و مادر و همسر خود را رها کرده، برای یافتن اسرار مذهبی و پاسخ مشکلات روحانی، که اعماق ضمیر او را پیوسته مشوّش می‌کرد، در اطراف جهان به گردش و تفکر پرداخت. او تصمیم بر آن داشت تا آنقدر به تفکر بپردازد که راه رستگاری و نجات را بیابد. او بعد از سالیان متمادی به حقیقت پی برد و دانست همان‌گونه که روز و شب و تاریکی و روشنی با هم آمیخته شده‌اند، خیر و شرّ نیز به هم آمیخته‌اند. او دریافت که دو نیرو بر جهان حکومت می‌کنند: یکی خیر و دیگری شرّ. چون به سی‌سالگی رسید

زرتشت دوم، که زرتشت هفتاد و هفت‌ساله بود نیز پیروز شد؛ ولی کشته شد. دینی که این پیامبر ایرانی تعلیم فرمود، یک آیین اخلاقی و طریقه‌ی یگانه‌پرستی است. دین زرتشتی نخستین مذهبی است که در جهان، از مسئله‌ی حیات عقبی و مسئله‌ی قیامت سخن به میان آورده و مسئله‌ی آخرالزمان را به مفهوم کامل خود طرح کرده‌است. در سراسر «اوستا»، زرتشت پیروان خود را به پاکی روح و جسم و عناصر و پاکی مسکن و هرآنچه مربوط به زندگانی است، دعوت می‌کند. او خدای معبود و متعال دین خود را اهورا مزدا لقب داد؛ یعنی «خدای حکیم». این نامگذاری، به جهت معروف بودن اسم مزدا در زمان او بود و بدون شک اهورا مزدا را همگی خدای عالم و خلّاق و نظام طبیعت می‌دانسته‌اند.



بیرق دین



امیررضا آفتاب طلب

رشته علوم تغذیه ۹۸

عارفی بوده است اهل شرع و دین

نزد او روزی میرسیدند این

حمد و تسبیح است و مهر بندگی

کز برای چه به تقدیر ازل

گر نگیرم دست از اهل نیاز

شد نماز و ذکر او خیرالعمل

بی نمازم بی نمازم بی نماز

کارها هستند بهتر از نماز

در نمازم گر حضور دل بود

یک مثالش یاری اهل نیاز

کارها يك يك خدایی می شود

گفت عارف ای عزیزان بنگرید

گر که ره پویم به رنگ و بوی اوست

زندگی را او چه شکلی آفرید

گر سخن گویم به رنگ و بوی اوست

وقتی آدم پا نهد در این جهان

عاشقان کآخر بت خود بشکنند

نامده، در گوش او خوانند اذان

پلك در کسب رضای او زنند

چون که وقت مرگ و رفتن آیدش

آنکه فانی گشت از پا تا به سر

توبه و ذکر و تشهد بآیدش

از دو گیتی وارهیده ست و دگر

خوش رود پاکیزه در دارالسلام

تیر از پایش برون آرند یا

گیرد از معبود و یار خویش کام

تیغ بشکافد سرش را از قفا

بر پیمبر می کند آنجا سلام

در نیابد درد یا اندوه هیچ

پاسخش گویند حضرت با سلام

زخم ناید از پشه بر کوه هیچ

مُشتی از خروار می باشد نماز

گشته است از عشق پاکی مست مست

آفرینش را همین بوده ست راز

يك گوا «فُزْتُ و رَبِّ الكعبه» است

زندگی ما نماز اکبر است

دین ما عشق و فنا و بندگیست

کاندر آن باید بت خود را شکست

وز نمازش بیرق پایندگیست

کارهای نیک ما در زندگی

نام این دین زین سبب اسلام شد

حیف کز زشتی ما بدنام شد



مهدی حسینی کفشدار

رشته علوم تغذیه ۹۷

حاج قاسمی که می شناسیم

نامش قاسم سلیمانی بود و در روستایی در استان کرمان متولد شد. شرایط ملتهب سالهای پایانی دهه پنجاه، او را با اندیشه و عمل امام روح الله آشنا کرد و او خیلی زود به صفوف انقلابیون پیوست. شاید عکس های بچگی

همانطور که به خاطر موهای فرفری و بلندش و نیز پوشیدن پیراهن آستین

کوتاه، نتوانست در گزینش سپاه قبول شود و پس از تلاش های فراوان

بالاخره وی را پذیرفتند! کسی که پس از پیوستن به سپاه پاسداران لباس

رزم به تن کرد و تا حدود چهل سال این لباس را در نیاورد. حتی قدر

و قیمت وی تا همین اواسط دهه نود برای مردم ایران ناشناخته بود.

محبوبیت و نفوذ وی در قلوب مردم هم با اشارات متعدد روزنامه

ها و مجلات غربی که او را شخصیتی افسانه ای و مدیر جنگ های

نیابتی در منطقه می دانستند، شکل گرفت. وگرنه وی سالها در جنگ

بود و پس از اتمام جنگ هم به نبرد با اشراک و ترویست ها رفته بود،

اما «مرد در سایه» تلقی می شد و اطلاعات کمی از او در دسترس

بود. شاید مقاله مشهور نشریه تایم باعث شد که محور عبری-

عربی-غربی متوجه پشت پرده میدان شوند و کسی که به دنبال

عزت اسلام و مسلمین و خوار کردن دشمنان بود را بشناسند.

لحظات به خصوصی از زندگی این سردار شهید که به

عبارتی «شهید زنده» تلقی می شد وجود دارد. برخوردش

با کودکی که سر نماز به او گل هدیه کرد که ما را یاد

مولایمان امیرالمؤمنین انداخت هنگامی که سر نماز به

فقیری، انگشتی خود را عطا کرد، بازدید های مداوم

خانواده شهدا و جانبازان که قوت قلبی برای آنان بود،

عشق و شوق بی بدیل به همزمان شهیدش همچون

کاظمی و گریه هایی که در رثای شهدا داشت و بوی اخلاص

دور می شد استشمام کرد. فرمانده ای بی باک که به قول آمریکایی

ها همزمان نبرد های سال ۲۰۰۶ لبنان و اسرائیل، جنگ های متعدد مقاومت

فلسطین با اسرائیل، نبرد با داعش در سوریه و عراق و جنگ سعودی با یمن را مدیریت

می کرد و یک تنه پیروزی های چشمگیری برای محور مقاومت به ارمغان آورده بود به نحوی که ترامپ

رئیس جمهور پیشین آمریکا اذعان داشت ما ۷ تریلیون دلار در سوریه و عراق خرج کردیم، اما این دو کشور در

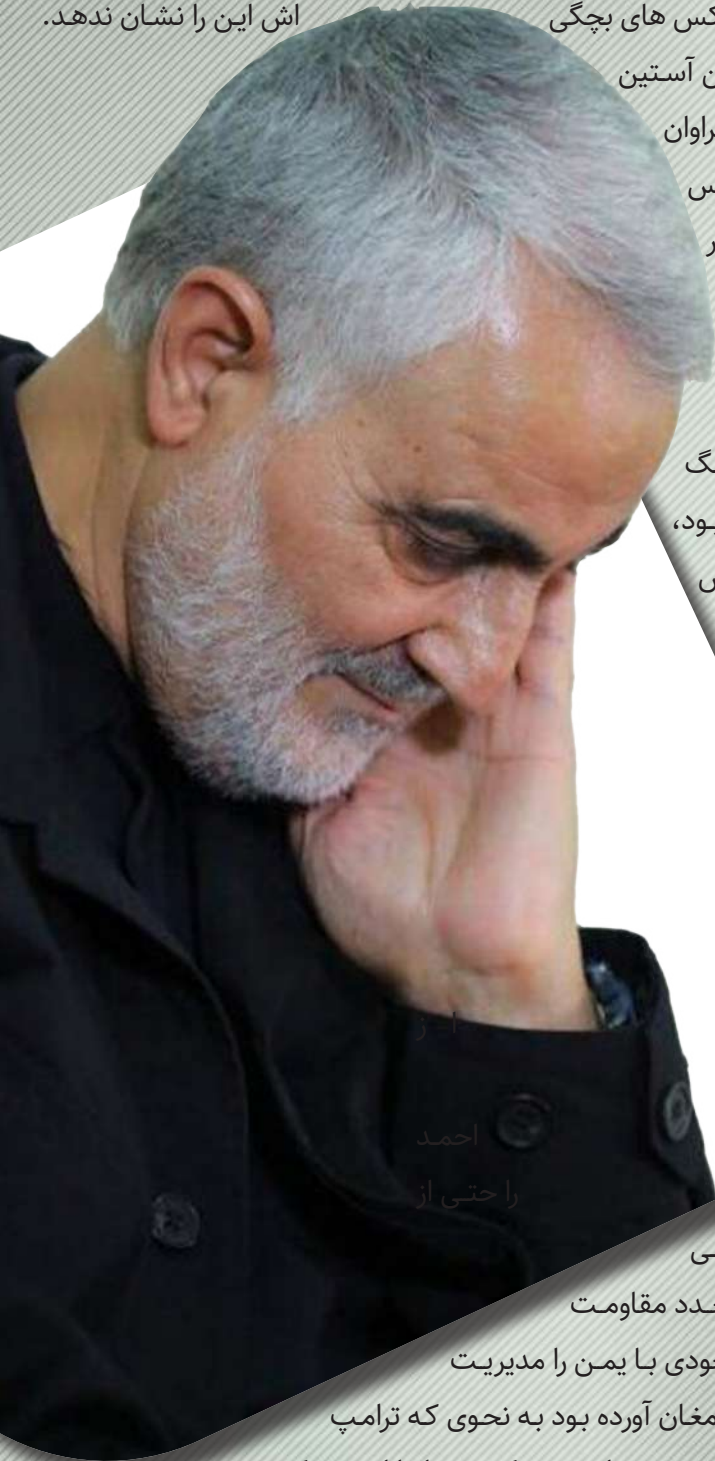
اختیار ایران است! احترام بی بدیل به والدینش که لحظات معنوی خلق می کرد. کمک به سیل زدگان خوزستان و خادمی ملت ایران

و ده ها مورد دیگر همه بخشی از کارنامه پر بار این شهید سرافراز است. با هر دید و منطقی که نگاه کنیم چه دید مذهبی و چه دید

ایرانشهری؛ وی آرش زمانه، رستم ایرانشهر، مالک اشتر علی بود. پروژه آمریکایی برای ایجاد خاورمیانه جدید بر مبنای ایجاد جنگ

های مذهبی بود. در دوره ای از تاریخ اروپا میان کاتولیک ها و پروتستان ها جنگ سی ساله ای در گرفت و تعداد زیادی از انسان ها در

این جنگ ها کشته شدند. بر مبنای سیاست قدیمی «تفرقه بینداز و حکومت کن»، آمریکا و انگلیس و رژیم غاصب صهیونیستی



احمد

را حتی از

کس فکر نمی کرد که پرونده عظیم داعش به این زودی توسط ایران و نیروهای متحدش، بسته شود. طبیعتاً دشمنان، توان تحمل این ضربه بزرگ را نداشتند و چه هدفی مهم تر از حاج قاسم سلیمانی؟!

کسی که میان مردم محبوبیت داشت، وزنه مهمی برای کشور به شمار می آمد، توسط شقی ترین افراد به طرز مظلومانه همراه یارانش از جمله ابومهدی المهندس در فرودگاه بغداد به شهادت رسید. در باب شهادت او نمی شود قلم رانی کرد. فقط همین بس که هر ایرانی نژاده و عزتمندی در مراسم تشییع پیکر مطهر این شهید شرکت کرد و با چشمان خود دیدم که چه جمعیتی فارغ از اختلافات سیاسی برای این شهید عزاداری می کردند. جمعه سیاهی که در روزهای سرد دی ماه خبر شهادت حاج قاسم را شنیدم، هرگز فراموش نمی کنم. همه ما وی را همچون پدری دوست داشتیم و داریم. نشان به آن نشان که حدود دو سال از این واقعه می گذرد و هنوز دل هایمان ملتهب و داغدار اوست. در پی «انتقام سخت» هستیم و تا تک تک آمران و عاملان را از میان برداریم، آرام نخواهیم گرفت.

چه خوبست بخشی از سخنان این شهید که خاطره ای معنوی از دوران جنگ تحمیلی است را خطاب به مادران شهدا پایان بخش صحبت ها قرار دهم: ما در روایت داریم از قول امیر المومنین که می فرمایند هرگاه مشکلی پیدا می کردیم و طاقتمان از دست می رفت به پیامبر پناه می بردیم. جمله ای که می خواهم در محضر شما عرض بکنم اینست که ما هر وقت در سختی های جنگ فشارها بر ما حادث میشد و مظطر می شدیم و کاری از ما بر نمی آمد پناهگاهی جز زهرا نداشتیم. در شب

والفجر ۸ وقتی

چشم مان

به آب های

خروشان

اروند افتاد

سعی داشتند شیعه و سنی را مقابل هم قرار دهند و تمام توان ممالک اسلامی را خرج جنگ درونی بکنند. در همین اثنا هم آمریکا اسلحه بفروشد و رژیم صهیونیستی هم خوشحال از درگیری مسلمانان با هم، به چپاول بیت المقدس بپردازد. پروژه ای که با بهار عربی در سال ۲۰۱۱ شروع شد و به موجب آن انقلاب های متعددی در شمال آفریقا و غرب آسیا اتفاق افتاد و هدفش در آغاز از میان برداشتن دیکتاتور ها بود اما آمریکایی ها بر این موج، سوار شدند و سعی در به هم ریختن منطقه و ایجاد حاشیه امن برای اسرائیل داشتند. جمهوری اسلامی با هوشیاری به جای اتخاذ موضع انفعالی در برابر حوادث، به یاری متحدانش شتافت و از قدرت گرفتن بیش از پیش داعش جلوگیری کرد.

داعشی که ۹۰ درصد سوریه و حدود ۴۰ درصد عراق را گرفته بود و با شتاب به سوی مرز های ایران در حرکت بود. هنر حاج قاسم و محور مقاومت در آن بود که با استفاده از نیروهای بومی همین کشور ها و با هزینه کم، توانستند زامبی های داعشی را نابود کنند تا جایی که در آبان ۹۶ ایشان در پیامی به مقام معظم رهبری، پایان حکومت داعش را در منطقه اعلام کردند. ممکن است عده ای بگویند که جنگ در سوریه و عراق به ما چه ربطی داشت، این دوستان را به سخنی از حضرت علی (علیه السلام) ارجاع می دهم. ایشان در زمان حکومتشان هنگامی که لشکریان معاویه به شهر انبار یورش بردند و آن را غارت کردند فرمودند: «مردمی که از جهاد روی برگردانند، خداوند لباس ذلت بر تن آنان می پوشاند و بلا به آنان هجوم می آورد... به خدا سوگند هر ملتی که در درون خانه اش مورد هجوم قرار گیرد، حتماً ذلیل خواهد شد».

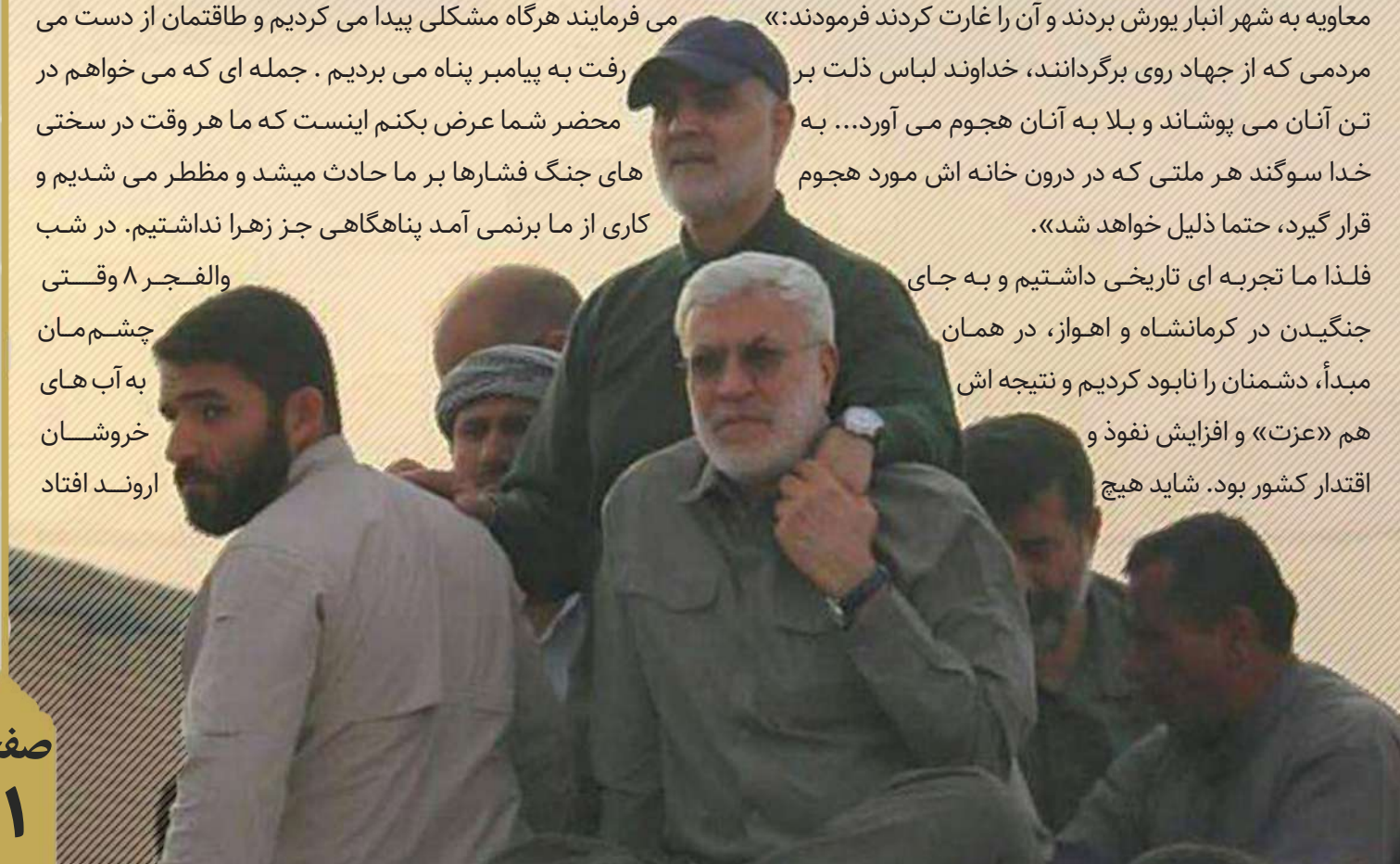
فلذا ما تجربه ای تاریخی داشتیم و به جای

جنگیدن در کرمانشاه و اهواز، در همان

مبدأ، دشمنان را نابود کردیم و نتیجه اش

هم «عزت» و افزایش نفوذ و

اقتدار کشور بود. شاید هیچ





و لرزیدیم و ترسیدیم، آنجا نامی آشنا تر از زهرا نداشتیم. او را در کنار اروند صدا زدیم. در تلولو اشک های مظلومانه و غریبانه بسیجی ها سیمای سفید او را جستجو کردیم و اروند را با یا زهرا به کنترل در آوردیم. وقتی شب کربلای ۴ شد و دشمن آتش مسلسل ها و خمپاره های خودش را به سوی ما بازکرد و جوی های خون به سمت اروند سرازیر شد، آن وقت هم همه تدابیر از کار افتاده بود و نامی جز نام زهرا بر زبان جاری نمی شد. وقتی عراقیها لب اروند ایستاده بودند و بچه ها را با تیر میزدند. سلاح کارگر ما زهرا بود. در کربلای ۵ هم وقتی در آن غروبی که مظطر بودیم نگاهی به آبهای بویان می کردیم آن وقت هم سرمان را بر دژ گذاشتیم و عاجزانه او را صدا کردیم. من قدرت زهرا را محبت مادری او را در هور دیدم در غرب کانال ماهی دیدم در وسط میدان مین دیدم. وقتی شما مادرها نبودید و بچه هایتان در خون دست و پا میزدند... او را دیدم.

سپهر شکرین
سپهر شکرین

وارستگانی هادر بدرقه سردار (عکس اختصاصی)





چرا عزیز (سروده‌ای در مدح امام خمینی)

روزگاری بود تاریک و سیاه

مردمان بی پناه از ظلم شاه

شاه دائم در خوشی و در سرور

زنده می افزود بر اهل قبور

دست اهریمن به دست شاه بود

خود به ماه و مردمش در چاه بود

لیک آمد وعده ی نیک خدا

ظلم ظالم کرد از مردم جدا

نجعل المستضعفین الوارثین

قد نری مایخذر المستکبرون

رهبری آورد نیک و خوش خصال

ساده پوش انسان، ولی صاحب جلال

در دهانش جز کلام راست نیست

در کلامش حرف بیش و کاست نیست

عدل او ماند به عدل اهل بیت

ریشه اش از پاک نسل اهل بیت

درد پیغمبر به دل دارد که هین

قیصر و کسری، بیا داخل به دین

باک کس در دل ندارد، جز خدا

می کند تبلیغ حکم الله را

به مناسبت ارسال نامه تاریخی امام خمینی به

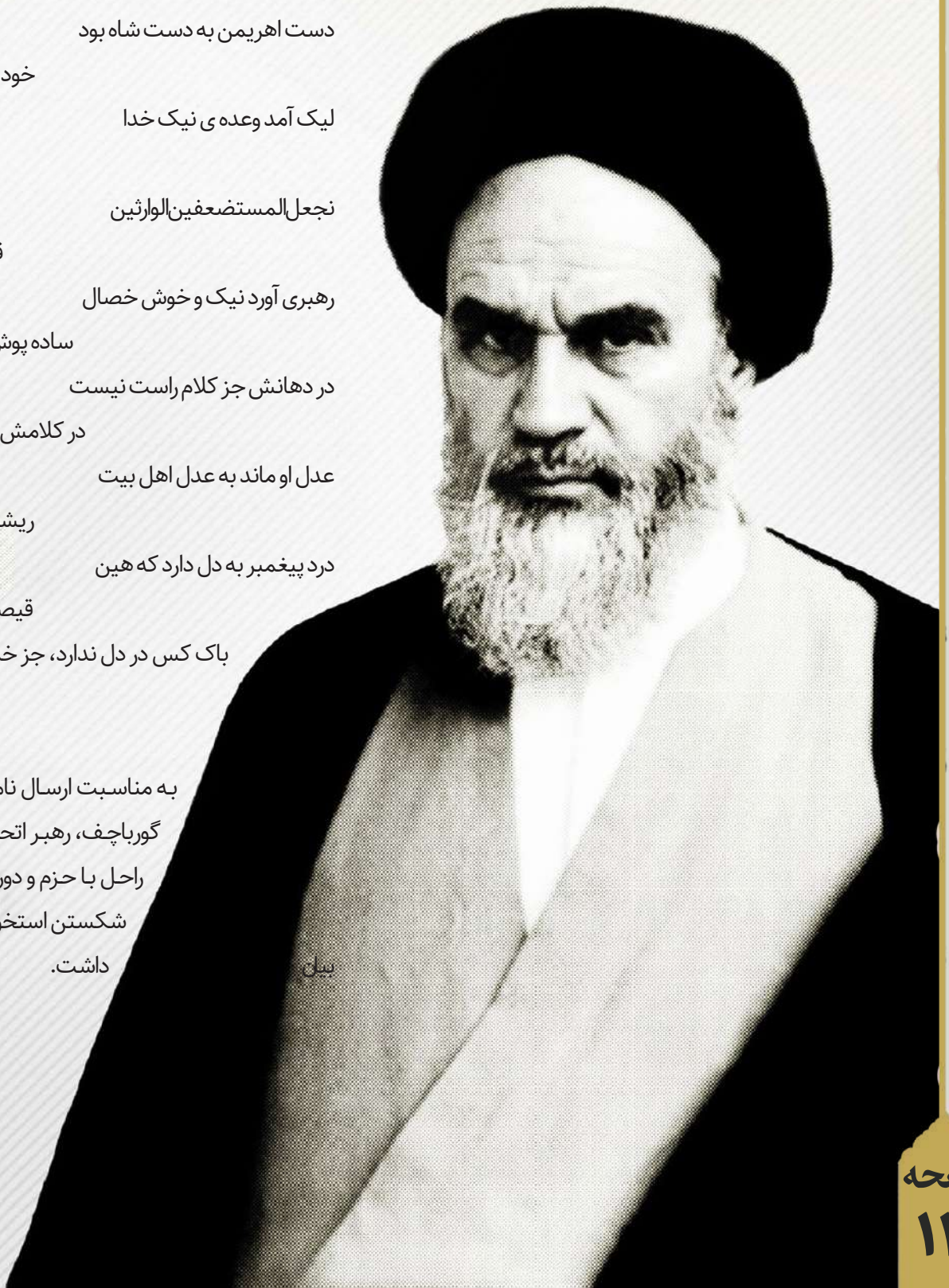
گورباچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی که امام

راحل با حزم و دوراندیشی به درستی صدای

شکستن استخوان های مکتب کمونیسم را

داشت.

بین





زهرا نامور

رشته علوم تغذیه ۹۹

مادر مردها

بِسْمِ رَبِّ الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ

۱۳ ام جمادی الثانی، روز تکریم مادران و همسران شهدا

به راستی که چرا این روز به چنین نامی مزین شده است؟!

۱۳ ام جمادی الثانی، روز وفات زنی است که اگر چه خود در دشت کربلا حضور نداشت، اما عطر ایمان، نگاه ولایتمدار، تفکر حسینی و شجاعت ایثارگری یک مسلمان معتقد را قطره قطره در کام فرزندان نشانده و لاله صفت چنان بارشان آورد که دشت تفتیده کربلا را همیشه تاریخ، منقش به زیباترین مفاهیم یعنی شهادت کردند. او پسران خود را سینه چاک برادر و مقتدای خود ساخت تا مبادا عزیز فاطمه (س) تنها بماند. "ام البنین" همسر حضرت امیرالمومنین (ع) و مادر حضرت ابوالفضل العباس در چنین روزی در نقاب خاک پیچید و از این جهان کوچید و در جوار رحمت حضرت حق آرامید.

چه روز مبارکی را روز تکریم از این شیر زنان و دلاور زنان تاریخ در تقویم نامیده اند؛ زنانی که اگر چه خود در خاکریزهای دفاع از کیان اسلام و خاک وطن در برابر یزیدیان زمان حضور نداشتند اما به دستور اسلام و ندای پیر و مراد خود، معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) لبیک گفته و زینب گونه در حماسه هشت سال دفاع مقدس با تشویق همسران و فرزندان برومند خود آنها را برای حضور در جبهه ها آماده و تشویق می کردند و خطوط مقدم پر از رزمندگانی بود که در دامن این رادزنان پرورش یافته بودند. رهروان

فاطمی که پای در جای پای ام البنین

«مادر چهار شهید و معلم علم دار

کربلا» گذاشتند و چون او فاطمه

وار، هستی خود را بر سر دفاع

از ولایت و اسلام به درگاه خدا

ارزانی داشتند. آنان دل از تکیه

گاهان و جگر گوشه های خود

کندند تا من و شما درس

ایثار و فداکاری را به زبان

دیگر بیاموزیم.

اگر ایثار، شهامت

شجاعت، صبر و

استقامت این شیر زنان ایران زمین نبود. خدا می دانست چه بر سر نهال نو پای انقلاب می آمد، این دلاور زنان بودند که فرزندان جوان و نوجوان خود را برای خط مقدم جبهه آماده می کردند و برای دفاع از ولایت، سینه سپر می کردند تا یک وجب از خاک مقدس این سرزمین در دست دشمن نیفتد. آری! ما مادرانی داریم مانند ام البنین و همسرانی داریم مانند رباب که دار و ندار خود را، در راه خدا و برای حفظ آرمان ها و ارزش ها فدا می کنند. چگونه می شود که مادر باشی، اما فرزند خود را به دل آتش بسپری و چگونه می شود همسر باشی و راهی کنی تکیه گاه خود را در مسیری که میدانی شاید هیچ راه بازگشتی وجود نداشته باشد... نمیدانم چگونه بیان کنم این از خودگذشتگی را، قلم باز می ایستد از این حجم از ایثار و فداکاری؛ و کلمات نمی توانند ادا کنند، حقیقت زیبایی را که در این امر خداپسندانه نهفته شده است. مادران و همسران شهدا در طول ۸ سال دفاع مقدس حماسه های جاویدی ساختند، آنان با صبر و استقامت خود دشواریها را تحمل کردند و می توان گفت حق خود را برای انقلاب ادا کردند و تاریخ همیشه از آنها به عنوان الگوی ایثار و فداکاری یاد خواهد کرد.

همسران شهدا نیز با تربیت یادگاران همسران خود آنها را برای انقلاب و دوران شکوفایی این سرزمین آماده می کنند؛ باشد که دشمن بدانند با وجود شیرزنان ایران زمین و جوانان برومندش نمی تواند قد علم کند و این خیال خام را که دوباره بخواهد با ارزشهای دینی، ملی و فرهنگی ما مقابله کند، از سر بیرون کند؛ چون احمدی روشن ها، باکری ها، همت ها، فخری زاده ها و قاسم سلیمانی های زیادی در این دیار پرورش یافته اند و اجازه تعرض دوباره را به هیچ عنوان نخواهند داد. به پاس ایثار، فداکاری، صبر و پایداری مادران و همسران شهیدان هشت سال دفاع مقدس، سالروز وفات حضرت ام البنین (س) را روز تکریم مادران و همسران شهدا می نامیم و اوراق تاریخ را به نام گذشتها و خلوص و تلاش های آنان مزین می کنیم و عملکرد این بانوان فداکار را پشتوانه ای برای نسل امروز قرار می دهیم.



روز رحلت پیامبر (ص)

تشکیل سقیفه بنی ساعده: ابوبکر از سقیفه به سوی مسجد پیامبر (ص) خارج می شود. اطرافیان او هر کس را که در راه می بینند، گرفته نزد ابوبکر می آورند؛ دست او را جلو آورده و به عنوان بیعت، به دست ابوبکر می زنند. بدین ترتیب، ابوبکر به همراه هوادارانش وارد مسجد می شود. هنگام ظهر است؛ ابوبکر به عنوان خلیفه رسول خدا (ص) نماز می گزارد! سخنان قبل از نماز، عمر بن خطاب است.

یکروز پس از وفات پیامبر

تدفین پیامبر: در انتهای روز، ابوبکر و عمر که در مسجد به گرفتن بیعت مشغول اند، اعلام می کنند که نمی توانند بر جنازه پیامبر که در خانه مجاور مسجد است، حاضر شوند. امیرالمومنین به تدفین پیامبر مشغول می شوند و بدن پیامبر دو روز پس از وفات به خاک سپرده می شود.

چهار روز پس از وفات پیامبر

اولین شب باری طلبی: در این چند روز امیرالمومنین مشغول کتابت قرآن بوده و از خانه بیرون نیامدند. پس از اتمام این روز حضرت برای اتمام حجت به خانه تکتک مهاجران و انصار که در جنگ بدر شرکت داشتند، روند. حضرت صدیقه (س) سوار بر مرکب و حسنین دست در دست امیرمؤمنان آن حضرت را همراهی میکنند. عده ای بهانه می آورند، برخی سکوت اختیار می کنند و دسته ای بی شرمانه می گویند: اگر این سخنان را زودتر می شنیدیم با شما بیعت می کردیم.

هفتمین روز پس از وفات

عرضه قرآن توسط امیرالمومنین: در این روز امیرالمومنین قرآنی که جمع آوری نموده است را عرضه می کند. عمر پاسخ می دهد: ما را به تو و قرآنی که آورده ای احتیاج نیست. در پس این سخنان امیرالمومنین خطبه ای رشا ایراد فرمودند: ای مردم آیا نشنیدید که پیامبر در مورد من فرمود نسبت علی به من همانند نسبت هارون به موسی است... هر کس من مولای اویم، پس این علی مولای اوست...

دهمین روز پس از وفات

ایراد خطبه فدکیه توسط صدیقه طاهره: در این سخنرانی حضرت پس از حمید و ثنای الهی و معرفی پدر بزرگوارشان رسول خدا، از گسترش روند نامسلمانی و برخاستن پرچم نفاق سخن رانند. آن حضرت به استناد آیات قرآن خود را میراث دار رسول خدا معرفی کرده و به شدت به مصادره اُرت خویش توسط خلیفه وقت اعتراض می‌نمایند. تا به آن روز دیده نشد مردمان چنین ناله و گریه سر دهند.

هفدهمین روز پس از وفات

تلاش برای بازپس گیری فدک: پس از مصادره فدک، حضرت صدیقه طاهره مراجعات متعددی برای بازپس گیری فدک داشتند که چندین روز ادامه یافت. به اشاره و راهنمایی امیرالمومنین و در یک فرصت مناسب، حضرت صدیقه کبری وارد مسجد می شوند. پس از استدلال حضرت ابوبکر مجبور به تنظیم سندی برای بازپس دادن فدک می شود. عمر با نزدیک شدن به مسجد آگاهی پیدا می کند که سند استرداد فدک در حال تنظیم است. لذا برای گرفتن قباله فدک در کنار مسجد به انتظار می ماند. در نهایت این سند توسط عمر به اکراه و اجبار از آن حضرت گرفته و پاره می شود. بسیاری از مقاتل مضروب شدن صدیقه طاهره توسط دومی را در جریان این ماجرا نقل نموده اند.

چهارمین هفته پس از وفات

هجوم به بیست وحی: گروهی با شمشیر و نیزه و برخی نیزم به دست به دستور خلیفه برای بیعت گرفتن از امیرالمومنین به سوی خانه آن حضرت حرکت می کنند. پس از ممانعت صدیقه طاهره از ورود عمر به خانه، این جماعت به زور وارد خانه شده و پس از آتش کشیدن درب منزل امیرالمومنین و وارد آمدن صدمات و لطمات فراوان به دختر رسول خدا، امیرالمومنین را به زور برای بیعت به مسجد می برند. حضرت صدیقه پس از این ماجرا همنشین بستر بیماری است تا بنا بر قولی پس از هفتاد و پنج یا نود و پنج روز از وفات رسول اکرم به شهادت می رسند. سلمان می گوید: آن بانوی الهی در پس این وقایع، پیوسته همنشین بستر بودند تا به سبب این جراحات، شهید گشتند.





مرکز آموزش عالی
علوم پزشکی
وارسنگان

اِنَّ مَوْلانا اَبُو مُحَمَّدٍ عَلِيًّا ابْنُ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَبُو عَلِيٍّ اَبُو مُحَمَّدٍ عَلِيٍّ ابْنُ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يا فخر الدنيا يا نورها يا صاحب الفؤاد يا سيد السالكين

شهادتنامه



مدون لطف مادر



زمستان ۱۴۰۰